مجله علمی پژوهش در علوم انسانی و تحقیقات میان رشته ای ، شماره ۱۹ ، بهار ۱۳۹۹جلد۱، ص ۳۹-۲۷
http://www.jase.ir

مجله علمی پژوهش در علوم انسانی و تحقیقات میان رشته ای (سال ششم)
شماره ۱۹ / بهار ۱۳۹۹ / ص ۳۹-۲۷

مفهوم شناسی واژه خیانت از منظر قرآن، روایات

شاهین مردی کرد کندی[۱]، قهرمان مددلو[۲]، سهیلا عظیم زاده [۳]

[۱] دانشجوی کارشناسی . رشته معارف و علوم قرآن. گرایش تربیت دبیری . دانشکده علوم قرآنی خوی- ایران

[۲] عضو هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان - گروه علوم تربیتی استان آذربایجانغربی واحد شهید مطهری خوی -ایران

[۳] دانشجوی کارشناسی رشته علوم قرانی گرایش تربیت دبیر ، دانشکده علوم قرآنی خوی – ایران

نویسنده مسئول:

شاهین مردی کرد کندی

چکیده

در قرآن کریم بارها از رذایل و فضایل اخلاقی سخن گفته شده است. که در زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها تأثیری زیادی دارد یکی از این رذایل که مورد توجه قرآن قرار گرفته خیانت است. که در آیات بسیاری به آن اشاره شده و در روایات بیشماری درباره آن سخن گفته شده است. و جزء گناهان کبیره به حساب می‌آید. در نتیجه اگر به این مسئله اساسی توجه نشود زندگی مردم متلاشی خواهد شد و در اثر بی نظمی و هرج و مرج مردم از یکدیگر سلب اعتماد خواهند کرد و زیر بنای روابط اجتماعی سست می‌شود. حال پرسش این است که مهم‌ترین آسیب‌ها و مشکلاتی که خیانت در فرد و اجتماع به وجود می‌آورد چیست و چگونه می‌توان آثار و تأثیر آن را بر فرد و جامعه به حدقل رسانید و بر آن غلبه کرد.

در این مقاله با استفاده از روش توصیف و تحلیل نخست مهم‌ترین آثار و مشکلات خیانت که شامل محروم شد از محبت پروردگار، افزایش هزینه های ، از بین رفتن اعتماد اجتماعی ، خشم خداوند ، رسوایی و شرم انسان، از بین رفتن ارامش فکری و روحی است، شناسایی کردیم. سپس نحوه تأثیر گذاری خیانت بر فرد و جامعه بررسی کردیم. و در آخر برای گرفتار نشدن به این رذیلت اخلاقی روش‌های را که شامل (تقویت پایه های ایمان و تقوا، برآورده کردن نیازها، توجه به عواقب شوم خیانت در دنیا و آخرت، انتخاب افراد امین جهت اداره جامعه، تقویت بنیانهای فکری و فرهنگی)پیشنهاد کردیم.

کلید واژه: خیانت، روایات، قرآن، حدیث، تفاسیر

مقدمه

خیانت آتش‌سوزانی است که همه پیوندها را از میان می‌برد. و سبب هرج ومرج جامعه و فقر و ضعف و بدبختی است با توجه به وسعت مفهوم خیانت و گسترش دامنه آن در ابعاد مختلف اهمیت پرداختند به این رذیلت اخلاقی بیش از بیش آشکار می‌شود. هدف از این تحقیق بررسی واژه خیانت در کل قرآن کریم است خیانت داری انواع و اقسام مختلفی است و از طریق راهای مختلفی بر فرد و جامعه اثر می‌گذارد ابتدا این آثار و تأثیرهای که بر جاامعه میگذارند شناسانی و سپس برای کاهش این آثار راهکارهای را ارائه شده است . پژوهش حاضر پژوهش تحلیلی - توصیفی است که به بررسی واژه خیانت در کل قرآن پرداخته شده است و زمینه‌ها و آثار آن شناسایی و برای مقابله با آن راهکارهای ارائه داده است.

سوالات تحقیق

۱. خیانت از چه زمینه‌های برفرد و جامعه تأثیر می‌گذارد؟
۲. خیانت دارای چند نوع است؟
۳. قرآن چه راهکارهای برای مقابله با خیانت بیان می‌کند؟
۴. کیفر خائنین به چند صورت انجام می‌شود؟

پیشینه تحقیق

در این باره کتاب یا مقاله‌ای که دقیقا مرتبط با این مقاله باشد، یافت ندشد. در بیشتر مقالات یا واژه متضاد خیانت کار شده است یا به یکی از انواع خیانت پرداخته شده است. در بیشتر مقالات فقط به خیانت به همسر توجه شده است آن هم در جامعه نه در قرآن، در نتیجه بر آن شدیم، مقاله بنویسیم با عنوان مذکور که انواع خیانت را از نظر قرآن بررسی کند.

مفهوم شناسی واژه خیانت

خیانت : خیانت از «خَوَنَ» و «خان» به معنای در چیزی به او اعتماد شد ولی او خیانت کرد[۱۰] و در لسان العرب به معنای دروغ است [۱]

در فرهنگ فارسی عمید به معنای دغلی ، نادرستی کردن، غدر و نقض عهد[۲۰] و در فرهنگ معین به معنای غدر، مکر، نقض عهد و پیمان، بی‌وفایی، نمک به حرامی، دزدی، خروج از مأموریت و ارتکاب منهیات و ورود در خطوط نفسانی[۳۰] و در فرهنگ دهخدا به معنای مکر، حیله، ناراستی است.[۸]

راغب می گوید: خیانت در لغت به معنای مخالفت پنهانی با حق و پیمان است خیانت و نفاق هر دو یکی است ولی از طریق پیمان شکنی مخفیانه است.[۹] و نیز به معنای بی‌وفائی و خلف وعده و عهد آمده‌است.[۳۳] در اصطلاح از دستورات الهی خارج شدن و منهیات حق را مرتکب شدن، معنا شده‌است. [۲۹]

و در یک جمع بندی کلی خیانت به معنای دغلی، ناراستی‌کردن، خیانت‌کردن، شرایط امانت را به جا نیاوردن، نقیض امانت [۱۸] و به معنای منع حق است. [۲۳]

واژه‌های مترادف با خیانت

غلّ:در اصل از«غُلول» و یا از مادّه«غلل»به معنی«خیانت»گرفته‌شده و معنی اصلی آن نفوذ تدریجی و مخفیانه آب در ریشه درختان است [۱۳]

«غلّ»مفهوم وسیعی دارد، که بسیاری از صفات زشت و مزاحم اخلاقی را شامل می‌شود.[۱۳]

سوء: به معنی بدی، افات، زیان[۱۴] در اصطلاح به معنی تصمیم به گناه و میل به آن است. [۲]

زمینه‌های خیانت از نظر قرآن و روایات

از آنجای که موارد که خیانت درآن صورت می‌گیرد زیاد ومتفاوت هستند از این رو زمینه‌ها وعلل بروز خیانت هم متعدد ومتفاوت هستند که در اینجا به تعدادی ازآنان اشاره می‌کنیم.

۱. دلبستگی به مال و فرزند: ای کسانی که ایمان آورده‌اید! به خدا وپیامبر خیانت نکنید و(نیز) در امانات خود خیانت روا مدارید، در حالی که می‌دانید(این کار گناه بزرگی است)(انفال:۲۷) و بدانید اموال و اولاد شما وسیله آزمایش است و پاداش عظیم (برای آنها که از عهده امتحان برآیند) نزد خدا است؟(انفال:۲۸)

امانت گر چه به امانت‌های مالی گفته می‌شود، ولی در منطق قرآن مفهوم وسیعی دارد که تمام شئون زندگی اجتماعی، سیاسی و اخلاقی را در می‌گیرد، لذا در حدیث وارد شده: ألمجالس بالاماناۀ «گفتگوهای که در جلسات خصوصی می‌شود امانت است»[۲۷] روی همین اساس آب و خاک اسلام در دست مسلمانان امانت الهی است، فرزندان آنها امانت هستند و از همه بالا تر قرآن مجید وتعلیماتش امانت بزرگ پروردگار محسوب می‌شود ولی در آیه فوق همه را شامل می‌شود.[۳۱]

عشق وعلاقه به مال و فرزند وحفظ منافع شخصی، گاهی در یک لحظه حساس چشم و گوش انسان را می‌بندد و مرتکب خیانت به خدا وپیامبر(ص) می‌شود این در حقیقت خیانت آگاهانه است[۳۱]

چگونگی به دست آوردن اموال، چگونگی خرج کردن آنها، طرز نگهداری آن، و میزان دلبستگی وعلاقه به آن، همگی میدان‌های آزمایش بشر است. بسیارند کسانی که از نظر عبادات معمولی و تظاهر به دین و مذهب، و حتی گاهی از نظر انجام مستحبات، بسیار سخت گیرند و وفا دارند، اما به هنگامی که پای یک مسأله مالی به میان می‌آید، همه چیز کنار می‌رود وتمام قوانین الهی، مسائل انسانی، و حق و عدالت، به دست فراموشی سپرده می‌شود، در مورد فرزندان، که میوههای قلب انسان و شکوفه‌های حیات او هستند نیز غالبا چنین است. بسیاری از کسانی که به ظاهر پای‌بند به امور دینی، مسائل انسانی و اخلاقی هستند را می‌بینیم به هنگامی که پای فرزندشان به میان می‌آید گوئی پرده‌ای بر افکارشان می‌افتد وهمه این مسائل را فراموش می‌کنند، عشق به فرزند سبب می‌شود حرام را حلال، و حلال را حرام بشمرند و برای تأمین آینده خیالی او، تن به هرکاری بدهند و هر حقی را زیر پا بگذارند. باید خود را در این دو میدان بزرگ امتحان، به خدا بسپاریم و به هوش باشیم که بسیاری کسان، در این دو میدان لغزیدند، سقوط کردند و نفرین ابدی را برای خود فراهم ساختند[۳۱]

۲. ضعف ایمان و عقیده : همان گونه که ایمان خاستگاه بسیاری از ارزش‌ها و از جمله امانت‌داری است، ضعف ایمان وعقیده یا فقدان آن از عوامل بروز خیانت است.

از این رو پیامبر صلی الله علیه وآله فرمود: نشانه منافق سه چیز است ،آنگاه که سخن می‌گوید دروغ می‌گوید و آنگاه که وعده‌ای می‌دهد خلف وعده می‌کند و آنگاه که امین شمرده می‌شوند، خیانت می‌کنند [۲۷] امام علی(ع) می‌فرماید: خیانت دلیل بر کمی پرهیزگاری و بی‌دینی است [۶]چنانکه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: کسی که امانت را رعایت نمی‌کند، ایمان ندارد[۲۷]

۳. نژادپرستی: بر طبق آیه ۷۵ سوره آل‌عمران نژادپرستی از عوامل وزمینه خیانت بر شمرده شده است چون برخی از افراد که موجب می‌شوند تا در پیمان ها و یا اموال دیگر نژادها یا گروه‌ها خیانت کنند این هم به نفس اماره و گرایش های آن برمی‌گردد.

۴. غلبه هوا وهوس ودنیاپرستی: هواپرستی، مهم‌ترین وسیله هدایت را که درک صحیح حقایق است از انسان می‌گیرد و پرده بر چشم و عقل آدمی می‌افکند، این دسته افراد به عواقب خیانت فکر نمی‌کند. چنان که در آیه زیر به آن اشاره می‌کند «آیا دیدی کسی را که معبود خود را هوای نفس خویش قرار داده و خداوند او را با آگاهی(بر این که شایسته هدایت نیست) گمراه ساخته و بر گوش و قلبش مهر زده و بر چشمش پرده‌ای افکنده است؟! چه کسی می‌تواند غیر از خدا او را هدایت کند؟! آیا متذکر نمی‌شوید؟!»[۳۱]

۵. چیره شدن حرص و طمع بر انسان: انسان حریص نیز مرتکب خیانت می‌شود؛ هم در مالی که به او سپرده شده است و هم به وظیفه‌ای که به او واگذار شده است و از این رو به جای تلاش و کوشش و کنترل حرص و طمع برای رسیدن به مقصود راه خیانت را در پیش می‌گیرد. هم به خود و هم به دیگر افراد جامعه ضرر می‌رساند. و باعث هرج و مرج در جامعه میشود. قرآن کریم در این باره میفرماید: (یا أَیُهَا الّذین آمنوا لا تخونوا الله و الرسول و تخونوا أماناتکم و انتم تعلمون* و اعلموا انما اموالکم و اولادکم فتنهٔ و ان الله عنده أجر عظیم.)« ای کسانی که ایمان اورده اید! به خدا و پیامبر خیانت نکنید و نیز در امانات خود خیانت روا ندارید، در حالی که می دانید این کار ، گناه بزرگی است و بدانید اموال و اولاد شما وسیله آزمایش است و پاداش عظیم برای آنها که از عهد امتحان برآیند نزد خدا است.»(سوره انفعال : ۲۷ و ۲۸)

مصادیق خیانت از دیدگاه قرآن و روایات

برای خیانت در آیات قرآن و رویات در سه شاخه بیان شده است، خیانت به پروردگار،خیانت به امانت‌های مردم،خیانت به خویشتن اکنون به بررسی هریک می‌پردازیم

۱. خیانت به خدا ورسول:

قرآن خداوند ورسول را ازهر نوع خیانتی پاک میداند و درآیه زیرمی‌فرماید:«یایها الذین ءامنوا لاتخونوا الله والرسول و تخونوا اماناتکم و انتم تعلمون»"ای کسانی که ایمان آورده‌اید! به خدا و پیامبر خیانت نکنید! و نیز در امانات خود خیانت روا میدارید در حالی که میدانید این کار گناه بزرگی است." (انفال: ۲۷)

برخی امانت‌ها منحصرا امانت خداوند در نزد مردم هستند، مثل احکام شرعی، برخی از آنها منحصرا امانت رسول خدا(ص)است، مانند سیره حسنه آن حضرت، افرادی که نسبت به اوامر و دستورات خالق بی‌تفاوت‌اند و حال آنکه طبق تصریح متون دینی ، امانتداری نسبت به تکالیف خداوند یکی از وظایف بندگان محسوب می‌شود؛ به این معنا که اولاً باید سعی کنند آنها را یاد بگیرند و بفهمند؛ به طوریکه یک تکلیف ندانسته نداشته باشند و ثانیاً همه وظایفی که خداوند مقرر فرموده را از جان و دل بپذیرد و با کمال اهمیت و جدیت در صدد عمل کردن به آنها باشند به حدی که تکلیفی ازآنها فوت نشود. امام باقر (ع) در این رابطه می‌فرماید: «خیانت به خدا و رسول (ص) مخالفت کردن با اوامر آنها است و اما خیانت به امانت پس هر انسانی امین قرار داده شده بر آنچه خداوند بر او واجب فرموده».[۲۱] (طبق روایات هرگاه وقت نماز فرا می‌رسید، امیر مومنان علی(ع) بر خود می‌پیچید و می‌لرزید و رنگ مبارکش دگرگون می‌شد. به ایشان می‌گفتند شما را چه می‌شود؟ می‌فرمود: « هنگام نماز است و وقت ادا کردن امانت خداست، همان امانتی که بر آسمانها و زمین و کوهها عرضه شد و نتوانستند قبول کنند و از ادای آن ترسیدند».[۲۱] البته این معنا نیست به سایر تکالیف هم جریان داشته و اختصاصی به نماز ندارد..برخی دیگر امانت خود مردم هستند. در میان خودشان مثل امانت در اموال و اسرار، بعضی از امانت‌ها آن امانتی است که خدا، رسول او و خود مؤمنین درآن شریکند و آن عبارت است از اموری که خداوند به آنها امرمی‌کند و رسول خدا امرش را اجرا می‌نماید، مردم از اجرای آن بهره‌مند می‌شوند و اجتماعشان نیرومند می‌گردد، مانند دستورات سیاسی و اوامر مربوط به جهاد و اسرار جنگی که اگر افشا شود. حق خدا و رسول پایمال می‌گردد و ضررش دامن‌گیر خود مؤمنین هم می‌شود .پس خیانت در این نوع امانت خیانت به خدا و رسول خدا و مؤمنین است.[۱۷]

امام باقر«خیانت به خدا و پیامبر همان نافرمانی ایشان است، اما خیانت در امانت: هر انسانی امانت‌دار فرایض است که خدا بر او واجب کرده است.»[۲۸]

۲. خیانت به خویشتن:

انسان، خیانت را نسبت به خویشتن این می‌داند. که آنچه را خیر دین و دنیای او است، ردکند. تسلیم شهوت، غضب وگناهان ناشی ازآنها شود[۳۲]. خداوند در قرآن کریم درباره این افراد میفرماید: : (و لا تجادل عن الذین یختانون انفسهم ان الله لایحب من کان خوانا أثیما: هیچگاه از خائنان و آنها که به خود خیانت کرده اند، حمایت نکن؛ چرا که خداوند خیانتکاران گنهکار را دوست نمیدارد) (نساء: ۱۰۷) امیر مومنان علی (ع) نیز فرمود: «نفس همواره به بدی و زشت‌کاری فرمان می‌دهد، پس هر که به نفس خویش اعتماد کند نفس به او خیانت می‌ورزد و هر که به آن دل خوش کند نفس او را به بدترین جایگاه در آورد»[۶]

۳. خیانت به مردم:

درمحاورات مردم وقتی صحبت ازخیانت می‌شود، اغلب خیانت‌ها به همسر، خیانت دراموال و خیانت درامانت به ذهن خطور می‌کند، ولی باید بدانیم که خیانت بر طبق آیات قرآن و روایات دامنه بسیار وسیع و گسترده‌ای دارد. که تمام جنبه‌های اجتماعی و اخلاقی را در بر می‌گیرد. امام باقر(ع) خیانت به مردم را از بزرگ‌ترین خیانت‌ها معرفی می‌فرماید: «فإنّ من أعظم الخیانة خیانة الأمّة»[۴]

انواع خیانت به مردم

۱. خیانت دراموال

آنچه به عنوان امانت به انسان داده می‌شود، درچند صورت انسان می‌تواند درآن خیانت روا دارد.

تعدی درمال: دست درازی کردن به مال وتصرف درمال بدون اجازه صاحب مال[۷]. پیامبر اکرم (ص) می فرماید. «هر کس در یک وجب زمین به همسایهایش خیانت کند، خدا آن یک وجب را از درون زمین هفتم بیرون کشیده طوق گردنش سازد و او در روز قیامت با همان طوق خدا را ملاقات کند، مگر اینکه توبه کند و برگردد.»[۲۶]

تفریط در نگهداری: تفریط درنگهداری اموال که مردم به عنوان امانت دراختیارآن‌ها گذاشته وآن‌ها با کوتاهی کردن وسهل انگاری نمودن درحفظ مال باعث ازبین رفتن یا آسیب به مال به امانت گذاشته شده می‌شوند.[۱۲]

سهل انگاری یا مسامحه در دادن امانت یا رد امانت: وظیفه امانت دار این است که به محض مطالبه صاحب مال هر چند کافر باشند، باید امانت را به او باز گرداند. همچنین هنگامی که ترس از تلف شدن مال را داشت هر چه زودتر امانت را به صاحبش برگرداند،[۷] تا موجب تلف شدن مال نشده و وظیفه خود را در قبال کسی که امانت را در نزد او قرار داده انجام داده باشد.

رسول خدا (ص):« از ما نیست آن‌که امانت را حقیر شمارد، تا آن‌جا که چون به او سپرده شود، نابودش کند.»[۲۷]

۲. خیانت در بیت المال

امانت همه جا مطلوب است، ولی از دیدگاه اسلام در اموال عمومی و سرمایه‌های معنوی و مادی که تعلق به جامعه دارد نه به شخص خاصی، دارای تأکید بیشتری است، فلسفه آن نیز روشن است. زیرا اولا گروهی چنین می‌پندارند، چون این سرمایه‌ها تعلق به عموم دارند، آنها آزادند هر گونه می‌خواهند در آن عمل کنند، پانیا اگر خیانت در اموال عمومی و بیت المال رایج شود نظام جامعه از هم گسیخته خواهد شد، چنین جامعه‌ای هرگز روی سعادت نمی‌بیند.[۳۲]

علی بن ابی رافع می‌گوید: من در زمان حکومت علی (ع) خزانه دار بیت المال بودم و در بیت المال گردنبندی از غنائم جنگ بصره وجود داشت. روزی دختر علی بن ابی طالب (ع) کسی را نزد من فرستاد و به واسطه آن شخص به من گفت: شنیده‌ام که بیت المال گردنبندی وجود دارد که در اختیار توست و من مایلم آن را به من عاریه بدهی تا در روزهای عید قربان از آن استفاده کنم . من گردنبند را فرستادم و یاد آوری کردم که این گردنبند بدهی است که شما ضامن حفظ و بازگردانی آن هستید. علی بن

ابی رافع می‌گوید: وقتی حضرت از این ماجرا باخبر شد، به دنبال من فرستاد و من نزد آن حضرت رفتم. ایشان رو به من کرده و فرمود: آیا به مسلمانان خیانت می‌کنی ؟ عرض کردم: پناه برخدا اگر من به مسلمانان خیانت کنم! فرمود: پس چگونه گردنبندی را که در بیت المال مسلمانان بوده است بدون اجازه من و بدون رضایت صاحبانش[مردم] به دخترم عاریه داده‌ای؟ عرض کردم: او دختر شماست و از من خواست تا آن را به وی عاریه بدهم و من نیز آن را به صورت عاریه به او امانت دادم و شرط کردم که اگر آسیب ببیند ضامن باشد و همچنین آن را به موقع بازگرداند و او نیز شرط ضمانت را پذیرفت و گفت: بر عهده من است که آن را سالم به جای خود برگردانم. آنگاه حضرت فرمود: همین امروز آن را برگردان و مبادا که دوباره چنین کاری بکنی که گرفتار مجازات من خواهی شد. سوگند میخورم که اگر دخترم گردنبند را بدون شرط امانت و ضمانت گرفته بود، یقیناً او نخستین زن هاشمی بود که دستش را به جرم دزدی قطع می‌کردم.[۱۵]

۳. خیانت به همسر و ناموس

درآیه ۵۲ سوره یوسف از تجاوز به ناموس مردم به عنوان خیانت به آنها یاد می کند و بیان می‌کند، اگر زنی خود را در اختیار کسی دیگر به غیر از همسر خود قرار دهد، در واقع به همسر خود خیانت کرده است، در واقع ناموس او نبوده است.
در روایتی از پیامبر اکرم خطاب به علی(ع) آمده است:«ای علی چهار چیز است که کمرشکن است: پیشوایی که مردم فرمانش را می‌برند، ولی او نافرمانی خدا می‌کند و زنی که همسرش او را نگهداری می‌کند ولی او خیانت می‌نماید، تهی‌دستی که صاحبش راه چاره ندارد و همسایه بدی که در خانه انسان است»[۱۱]

در حدیثی از امام صادق علیه السلام می‌خوانیم: هنگامی که از معنی آیه از آن حضرت سؤال شد، فرمود: «آیا ندیده‌ای گاه انسان به چیزی نگاه می‌کند اما چنین وانمود می‌کند که به آن نگاه نمی‌کند؟ این نگاه‌های خیانت آلود است». این نگاه‌ها خواه به نوامیس مردم باشد و یا امور دیگری که نگاه کردن به آن ممنوع است، بر خداوند که ذره‌ای از آنچه در آسمانها و زمین است، از علم او مخفی نیست،، پنهان نمی‌ماند.[۳۱] رسول خدا (ص):« از ما نیست آن‌که به مسلمانی در مال و اهل او خیانت کند.»[۲۷]

۴. افشای راز

اسراری که هرکس در اختیار دوست یا آشنای قرار می‌دهد، درست مثل مالی که نزد کسی سپرده می‌شود، امانتی است در دل و سینه فرد که آشکارا نمودن آن بدون خواست و رضایت صاحب سرّ، خیانتی در آن امانت است. امام علی(ع) می فرماید :« خیر دنیا و آخرت در نهان داشتن راز و یار شدن با نیکان است و همه بدی ها در فاش کردن راز و دوستی با بدان است.»[۲۶] ، «من اخشی سرا استودعه فقد خان»"هرکس سری را فاش کند که به او سپرده شده است، پس به تحقیق خیانت کرده است."[۶]

۵. خیانت در اعیون

هر آنچه خداوند حکیم برای زندگی بشر در این جهان به او داده است، امانتی است در دست او که انسان باید در حفظ و نگهداری آن کوشا باشد و به طور احسن از این نعمت‌ها استفاده کند. اعضای بدن نیز امانت در دست انسان است که انسان باید کوشش کند به طور مطلوب از آن استفاده نماید.
در سوره ۵۲ سوره یوسف خداوند اشاره به خیانت چشمان کرده است و خود را آگاه نسبت به آن میداند و می‌فرماید:«یعلم خائنه الاعین». در توضیح این معنا آمده: "خیانت چشم‌ها اشکال مختلفی دارد: گاه به صورت نگاه‌های دزدکی و استراق بصر نسبت به زنان بیگانه است، گاه به صورت اشاراتی با چشم به منظور تحقیر یا عیب‌جویی از دیگران و یا اشاراتی که مقدمه توطئه‌ها و نقشه‌های شیطانی است."[۳۱]
امام صادق در تفسیر آیه ۱۹غافر می‌فرماید:«آیا ندیده‌ای که انسان به چیزی نگاه می‌کند اما چنین وانمود می‌کند که به آن نگاه نمی‌کند این نگاه‌های خیانت آلود است.» [۱۹]

۶. خیانت در علم

علم هم به عنوان امانتی در دست عالم است که انتقال صحیح و کامل آن به شاگردان و طالبان علم از وظایف وی معرفی شده است، و ذکر شده که اگر عالم در این هدف صبور وشکیبا نبوده و وظیفه خود را به درستی انجام ندهد، خائن در حق خداوند بوده و رفتار او با خلق ستمکارانه است.[۲۵]

در روایت دیگری از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است:« هر عالمی که به دانشش عمل کند، امانت را برگردانده و چنان که عمل نکند، خیانت ورزیده است».[۱۱]

آثار خیانت از نظر قرآن کریم ، روایات

همان طور که هر کاری آثار و هدفی دارد، خیانت هم نیز آثار و ضررهای فردی و اجتماعی بی‌شماری داردکه مهم‌ترین آنها شامل: خشم خدا، سستی ایمان و دینداری، زوال اعتماد اجتماعی، از بین رفتن آرامش روح و فکر، محرومیت از محبت خدا، رسوایی و شرم انسان، افزایش هزینه‌ها ، می‌باشد. در زیر به توضیح و بررسی هر کدام می‌پردازیم.

۱. خشم خدا: خداوند درآیه ۱۶۱و۱۶۲ سوره آل عمران خیانت را یکی از زمینه‌های بروز خشم و غضبه الهی می‌شمرد و در آیاتی چون۱۰۷ و ۱۰۸ سوره نساء، ۵۸ سوره انفال، ۳۸ سوره حج، خیانت را یکی از علل محرومیت از محبت الهی معرفی می‌کند. «گمان کردید ممکن است پیامبر به شما خیانت کند؟ در حالی که ممکن نیست هیچ پیامبری خیانت کند! و هرکس خیانت کند، روز رستاخیز آنچه را در آن خیانت کرده، با خود (به صحنه محشر) می‌آورد، سپس به هرکس آنچه را فراهم کرده و انجام داده است، به طور کامل داده می‌شود و (به همین دلیل) به آنها ستم، نخواهد شد(چرا که محصول اعمال خود را خواهند دید)»(: ال عمران:۱۶۱) با توجه به آیه فوق عمل خیانت، خیانت، است و مقدار آن مهم نیست. قیامت صحنه‌ای است که نیکان حسنات خود را می‌آورند و خائنین خیانت‌های خود را به همراه دارند. خداوند عادل است، هم جزاء را کامل می‌دهد و هم ذره‌ای افراط نمی‌کند.[۲۲]
امام علی(ع) می‌فرماید: «مبادا که خیانت کنی که آن بدترین گناهان است، شخص خیانت‌کار به دلیل خیانتش دچار عذاب جهنم خواهد شد»[۳]

۲. سستی ایمان و دینداری: همان طوری که یکی از فواید امانت‌داری تحکیم پایه‌های ایمان و گسترش دینداری است، در مقابل خیانت موجب سستی ایمان و دینداری است .
پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله فرمود: «از خیانت دوری کنید چرا که خیانت آدمی را از اسلام دور می‌کند».[۶]

۳. زوال اعتماد اجتماعی: مهمترین و آشکارترین اثر خیانت از بین رفتن اعتماد عمومی است. می‌دانیم در زندگی اجتماعی که اساس کار تعاون و همکاری برای مبارزه با مشکلات و بهره‌گیری هر چند بیشتر از مواهب حیات است، مسأله اعتماد نقش اصلی را ایفا می‌کند. چرا که اگر اعتماد متقابل نباشد جامعه بشری به جهنم سوزانی تبدیل می‌شود که همه از یکدیگر وحشت دارند، و به جای این که نیروها در جهت سازندگی به کار بیفتد در جهت پیشگیری از این وحشت به کار گرفته خواهد شد، به تعبیر دیگر جامعه انسانی بدون اعتماد متقابل، همه چیز خود را از دست می‌دهد، هر چند همه امکانات را در اختیار داشته باشد، به عکس با داشتن اعتماد متقابل همه چیز دارد، هر چند به ظاهر فاقد امکانات باشد.[۳۲]

امام صادق علیه السلام به عبد الرحمن فرمود: «بر تو باد به راستگوی و اداء امانت تا شریک مال مردم شدی، این چنین، هنگامی که این سخن را می‌گفت انگشتان خود را جمع کرده بود و به من نشان داد، یعنی مانند این انگشتان».[۳۵]

۴.از بین رفتن آرامش روح و فکر: هنگامی که امانت در جامعه یا در یک خانواده حکم فرما شود، مایه آرامش فکر و روح آنها است، زیرا در صورت احتمال خیانت همه از هم وحشت دارند و دائما از این نگرانند که خیانتی نسبت به آنها صورت نگیرد، و مال، جان، ناموس یا مقامشان به خطر نیفتند، به یقین ادامه چنین زندگی که افراد از یکدیگر بترسند ناگوار، دردناک وای بسا سبب بیماری‌های جسمی و روحی فراوانی شود.[۳۲]

۵.محرومیت از محبت خدا: امانت سبب محبت و پیوند دوستی در میان افراد است، در حالی که خیانت عامل بسیاری از جنایات و حوادث ناگوار اجتماعی است اگر پرونده‌های جرائم و جنایات را ورق زنیم می‌بینیم بسیاری از آنها زائید، خیانت‌ها است.[۳۲] با توجه به آیه زیر، خیانت موجب محرومیت از محبت الهی است

«هرگاه با ظهور نشانه‌هایی از خیانت گروهی بیم داشته باشی (که عهد خود را شکسته، حمله غافلگیرانه کنند)، به طور عادلانه به آنها اعلام کن که پیمانشان لغو شده است. زیرا خداوند خائنان را دوست نمی‌دارد».(انفال:۵۸)

۶.رسوایی و شرم انسان:آیه زیر خائنان را مورد سرزنش قرار داده، می‌گوید: آنها شرم دارند که باطن اعمالشان برای مردم روشن شود، ولی از خدا، شرم ندارند. خداوندی که همه جا با آنان است و بر اعمال آنان احاطه دارد. « و از آنها که به خود خیانت]۳۱[کردند، دفاع مکن! زیرا خداوند افراد خیانت پیشه گنهکار را دوست ندارد. آنها زشتکاری خود را از مردم پنهان می‌دارند اما از خدا پنهان نمی‌دارند هنگامی که در مجالس شبانه، سخنانی که خدا راضی نبود، می‌گفتند، خدا با آنها بود. خدا به آنچه انجام می‌دهند احاطه دارد»(نساء:۱۰۷و۱۰۸)?

۷. خیانت موجب افزایش هزینه‌ها: امانت بسیاری از هزینه‌های زندگی را کم میکند، سبب صرف‌جویی در وقت، عمر، مال است، زیرا هنگامی که راه خیانت در محیط باز شود، مدیران و مسئولان مختلف ناچارند بازرس‌ها و حسابرس‌هایی با هزینه‌های سنگین برای پیش‌گیری از خیانت‌های احتمالی در بخش‌های مختلف بگمارند. گاه لازم می‌شود نسبت به بازرس‌ها هم بازرس‌های دیگر که اعمال آنها را کنترل کنند در نظر بگیرند. هر چند این امور نیز به طور کامل نمی‌تواند جلو مشکلات ناشی از خیانت را بگیرد، ولی به هر حال جلو از بین رفتن نیرو و سرمایه زیادی را می‌گیرد، هم اکنون در جامعه خود شاهد و ناظر مسایل دردناکی در زمینه اسناد مالی و از میان رفتن اعتماد و امنیت اقتصادی وبه زندان افتادن افراد زیادی در این رابطه هستیم که اگر به جای اینها کمی صداقت و امانت بود، هیچگاه گرفتار این ضایعات عظیم نمی‌شدیم.[۳۲]امام علی علیه السلام در مورد آثار مهم دنیوی امانت و خیانت فرمود: «امانت رزق و روزی می‌آورد و خیانت مایه فقر است»[۲۷]

رسول خدا(ص) فرمود: «پیوسته امتم در خوشی باشند، تا زمانی که به هم خیانت نکنند؛ امانت را بپردازند؛ زکات را بدهند و زمانی که چنین نکنند گرفتار قحطی و خشک‌سالی شوند.»[۱۶]

اوصاف خائنان در قرآن

در قرآن کریم برای خیانتکاران چهار صفت ذکر کرده‌اند، اکنون بعد از معرفی آنها به توضیح و بررسی آنان می‌پردازیم که این صفات عبارت‌اند:پنهان‌کاری، مکر و نیرنگ، گناهکاری، کفران نعمت،

۱. پنهان‌کاری: بر طبق آیه ۱۰۷و۱۰۸ سوره نساء خیانت‌کاران سعی در مخفی و پنهان خیانت خود دارند. به همین دلیل است که خداوند پنهان‌کاری را یکی از مهمترین صفات خیانتکاران برمی‌شمرد، ولی بر اساس این آیات هیچ امری از خدای متعال پوشیده نیست و این امری است محال و غیر مقدور است. و به خائن هشدار می دهد : خدا ناظر کار توست[۲۲]

۲. مکر ونیرنگ: چون بدون مکر ونیرنگ نمی‌توانند به مقاصد و اهداف خود برسد در سوره یوسف آیه ۵۲ که می‌گوید که در جامعه کسانی طوری رفتار می‌کنند که همه انسانهای پاک و با ایمان می‌دانند و به آنان اعتماد دارند. ولی آنان نه تنها انسانهای پست وکم ارزشی هستند که اعتماد و اطمینان مردم ساده لوح سوء استفاده می‌کنند و به خودشان این حق را می‌دهند که به راحتی خیانت کنند و خیانت و مخفی نگهداشتن خیانت که انجام می‌دهند برای آنان کاری عادی شده است این انسانها داری دورو هستند درجامعه طوری و در تنهای و خلوت خود طوری دیگر هستند.

۳. گناهکاری: برطبق آیه ۱۰۷ سوره نساء که خداوند می‌گوید خیانتکاران را به خاطر گناهانشان دوست ندارد.کسی که خیانت می‌کند دچار گناه شده به همین دلیل خداوند آنان را اثیم یعنی گناهگار توصیف می‌کند، خیانت کار کسی است که کفر و خیانت، کار و سیره‌ای او باشد.[۲۲]

۴. کفران نعمت: آخرین صفتی که خداوند برای خائنان برمی‌شمارد کفران نعمت وناسپاسی است، خیانت کاران انسان‌های ناسپاس و ناشکری هستند و هرگز برای نعمتی که به آنان داده می‌شود، سپاس گذاری وتشکر نمی‌کند. درآیه حج،۳۸ مراد کار مشرکان همان خیانتکاران هستند که آنان را بسیار خیانتکار وکفران پیشه خوانده بدین جهت است که خداوند امانت دین حق را برآنان عرضه کرد، و در میان آنان این دین را ظاهر ساخت، وآن را امانت و ودیعه در نزد فطرت آنان سپرد تا در نتیجه حفظ و رعایت آن به سعادت دنیا و آخرت برسند، وآن را از طریق رسالت به ایشان شناسانید، ولی ایشان به آن خیانت کردند و.شکرش را به وسیله عبادت به جا نیاوردند. [۲۲]

و درآیه ۱۰۷نساء و۳۸ حج خداوند متذکر می‌شود، خداوند خیانتکاران ناسپاس را دوست ندارد.

کیفر خائنان در قرآن

قرآن در آیات کیفر های برای خیانتکاران بر شمرد که در زیر آن‌ها را متذکر می‌شویم.

۱. قیامت صحنه رسوایی و مجازات خیانتکاران گنهکار است.

۲. هر خیانتکاری با خیانتش پروردگارش را دیدار می‌کند و آنگاه آنچه کرده است بدون کم وکاست، تحویل می‌گیرد.

۳. خیانتکاران با خیانت خود خشم عظیمی از خدا را به دست می‌آورند و جایشان جهنم است که بدترین جایگاه است.

۴. خیانتکاران با خیانت خود، محبت خود را از مردم می‌برند. و محبت خدا هم از آنان قطع خواهد شد[۲۲]

راهکارهای مقابله با خیانت

۱. تقویت پایه‌های ایمان و تقوا: پرورش روح امانت در افراد و پیشگیری از خیانت جز در سایه تقویت مبانی ایمان امکان پذیر نیست، زیرا همان گونه که در بحث گذشته آمد، یکی از ریشه‌های عمده خیانت عدم اعتماد کامل به قدر پروردگار و رازقیّت اوست. افراد ضعیف الایمان به گمان این که اگردست به خیانت نیالایند در زندگی عقب می‌مانند، منافع آنها تأمین نمی‌شود، تن به ذلّت خیانت می‌دهند. اما هنگامی که پایه‌های ایمان تقویت شد، توکل و اعتماد بر خدا و اطمینان به وعده‌های تخلف ناپذیر او سبب می‌شود که راه انحراف شرک را برای وصول به مواهب زندگی نپیماید.[۳۲]

۲. برآورده کردن نیازها: از سوی دیگر چون یکی از عوامل مهم خیانت، نیاز است باید تا آنجا که می‌شود نیازهای معقول و مشروع کسانی را که تحت مدیریت انسان قرار دارند برآورده‌کنند. مبادا نیازشان سبب شود که زنجیرطلای امانت را پاره‌کنند و به خیانت روی آورند.[۳۲]

۳. توجه به عواقب شوم خیانت در دنیا وآخرت: از سوی توجه به عواقب شوم خیانت در دنیا و آخرت، رسوایی‌ها و محرومیت‌های ناشی از آن و سرافکندگی در برابر خلق و خالق و گرفتارشدن در چنگال فقری که انسان از آن می‌گریزد، به یقین از عوامل باز دارنده و از اسباب پیشگیری و درمان خیانت است.[۳۲] پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «چهار چیز است که اگر یکی از آنها در خانه‌ای وارد شود ویران گردد و هرگز برکت الهی آن را آباد نخواهد کرد؛ خیانت، سرقت، شرب خمر و زنا»[۲۷]

۴. انتخاب افراد امین جهت اداره جامعه: امام باقر(ع) می فرماید« کسی که فرد غیر امین را امین بشمرد و امانتش را به او بسپارد، مال خود را ضایع کرده و حجتی در برابر پروردگار ندارد.» بنابراین بر تمام مدیران جامعه لازم است که به هوش باشند. مبادا پست‌ها و مقامات مختلف حکومت را که مهم‌ترین امانتهای الهی هستند، به دست افراد خائن بسپارند، که هم دنیای خویش را تباه می‌کنند وهم دین خود را و در پیشگاه خدا مسؤلیت سنگینی دارند.[۳۲]

۵. تقویت بنیان‌های فکری و فرهنگی: اساسا گسترش کارهای فرهنگی در جامعه و استحکام بخشیدن به بنیان های فکری افراد جامعه زمینه وقوع و گسترش خیانت را در مقیاس اجتماعی از بین خواهد برد و این وظیفه به دوش مسئولین و دست اندرکاران اجتماع است.که با فرهنگ سازی بین مردم از وقوع و گسترش خیانت جلوگیری کنند برای مثال: با ساخت فیلم‌های آموزشی، نشان دادن الگوهای مناسب، طرد افراد خائن به سبب عمل ناشایست آنان.

نتایج

همان طور که آیات و روایات مورد بررسی قرار گرفت مشخص شده که:

۱. خیانت یکی از گناهان کبیره است. در آثار دینی، خیانت از گناهان بزرگ به حساب آمده و وعده عذاب به آن داده شده است

۲. طبق آیات بررسی شده پی‌می‌بریم که برای خیانت سه شاخه بیان شده است خیانت به پروردگار، خیانت‌های مردم و خیانت خویشتن از جمله ترک واجبات و انجام محرمات را جزء خیانت الهی می‌شمرند، و آنها را به شاخه‌های متعددی از جمله خیانت زبان، خیانت چشم و گوش ذکر می‌کند و خیانت های مردمی را از قبیل خیانت در اموال ذکر می‌کند، وخیانت انسان نسبت به خویش این می‌دانند که آنچه را مایه خیر و سعادت اوست فراموش کند وتسلیم شهوت وغضب و گناهان ناشی از آنها شود.

۳. حفظ امانت دلیل بر عقل و عدالت است، وخیانت در آن دلیل بر ظلم وجهالت است

۴. از مجموعه آیاتی که بررسی شد اهمیت حفظ امانت و ترک خیانت به خوبی روشن می‌شود که اسلام تا چه حد به این امر حیاتی اهمیت داده وآن را نشانه عقل وایمان و عدالت شمرده است.

۵. امانت سرمایه اصلی جامعه انسانی و سبب پیوند مردم با یکدیگر و نظم معاش ومعاد آنها است، در حالی که خیانت آتش سوزانی است که همه پیوندها را از میان می‌برد و سبب هرج ومرج جامعه و فقر و ضعف و بدبختی است.

۶. اگر بنا باشد به مسئله اساسی خیانت توجه نشود زندگی مردم متلاشی خواهد شد و مردم از یکدیگر سلب اعتماد خواهند کرد و در نتیجه زیر بنای روابط اجتماعی سست می‌شود. از این رو اسلام آنقدر به خیانت نکردن اهمیت می‌دهد که حتی در مورد دشمن و کسی که از نظر عقیده و هدف با انسان توافق ندارد نباید در مورد اوخیانت کند.

منابع

۱. ابن منظور. ۱۴۰۵ق؛ «لسان العرب». بی‌جا : ادب حوزه.

۲. بدره‌ای، فریدون. ۱۳۸۸؛ « مفاهیم اخلاقی – دینی در قرآن مجید». تهران: فروزان روز. دوم

۳. تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد.۱۳۶۶؛ «تصنیف غرر الحکم و درر الکلم»، محقق، مصحح، درایتی، مصطفی. قم: دفتر تبلیغات اسلامی. اول

۴. ثقفی، ابراهیم بن محمد.1410 ق؛ «الغارات الإستنفار و الغارات»، محقق، مصحح، حسینی، عبدا لزهراء. قم: دار الکتب اسلامی.

۵. خوانساری، جمال الدین. ۱۳۶۶؛ «شرح غرر الحکم و درر الکلم».ج ۳ . تهران: دانشگاه تهران. اول

۶. دستخیب، عبدالحسین. ۱۳۷۶؛ « گناهان کبیره». قم: دفتر انشارات اسلامی. یازدهم

۷. دهخدا، علی اکبر. ۱۳۷۷؛ « فرهنگ فارسی دهخدا». تهران: دانشگاه تهران. دوم

۸. راغب اصفهانی، حسین بن محمد. ۱۴۱۲ق؛ «المفردات فی غریب القرآن». بیروت: دارالعلم الدار الشامیه. اول

۹. رحیمی نیا، مصطفی. ۱۳۸۶؛ « ترجمه المنجد».تهران :انتشارات صبا . سوم.

۱۰. رضائی، سید الحسین. ۱۳۶۴؛ «الروضه در مبانی اخلاق»، ترجمه جلد هفدهم از بحارالانوار. تهران: اسلامیه. دوم

۱۱. سلطانی، غلامرضا. ۱۳۷۲؛ « تکامل در پرتوی اخلاق» . قم: دفتر انتشارات اسلامی. چهاردهم

۱۲. شریعتمداری، جعفر. ۱۳۸۴؛ «شرح و تفسیر لغات قرآن بر اساس تفسیر نمونه». مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی. دوم

۱۳. شوشتری،عباس. ۱۳۴۱؛ «فرهنگ کامل لغات قرآن». تهران: کورش کبیر .

۱۴. شیخ طوسی،محمد بن حسن. ۱۳۶۵؛ «تهذیب الاحکام» .ج۱۰. تهران: دار الکتب اسلامی. چهارم

۱۵. صدوق، محمد بن علی. ۱۴۰۶ق؛ «ثواب الأعمال و عقاب الأعمال». قم: دار الشریف الرضی للنشر. دوم

۱۶. طباطبائی، محمد حسین. ۱۳۸۶؛ « تفسیر المیزان»، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی. قم: دفتر انتشارات اسلامی. پنجم

۱۷. طریحی، فخرالدین. ۱۳۷۵؛ «مجمع البحرین» . تهران: کتابفروشی مرتضوی. سوم

۱۸. عروسی حویزی، علی بن جمله. ۱۴۱۵؛ « تحقیق سید هاشم رسولی محلاتی».ج ۴ قم: اسماعیلیان

۱۹. عمید، حسن. ۱۳۷۲؛ «فرهنگ فارسی عمید». تهران: امیر کبیر. نهم

۲۰. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی . ۱۳۷۳؛ «تفسیر صافی». ج۲.تهران: مکتبه الصدر. دوم.

۲۱. قرائنی، محسن. ۱۳۸۹؛ « تفسیر نور ». ج ۶. تهران : مرکز فرهنگی درس‌های از قرآن. پنجم

۲۲. قریشی، علی اکبر. ۱۳۷۱؛ « قاموس قرآن». تهران: دارالکتب الاسلامیه. ششم

۲۳. کلینی، محمد بن یعقوب. ۱۳۷۵؛ « اصول کافی»، ترجمه‌ای محمد باقر کمره‌ای. قم: اسوه. سوم

۲۴. کمره‌ای، محمد باقر. ۱۳۸۴؛ « تحف العقول». تهران: انتسارات کتابچی . نهم

۲۵. کمره‌ای، محمد باقر. ۱۳۸۶؛ «آداب معاشرت»، ترجمه جلد شانزدهم بحارالانوار. تهران: اسلامیه. دوم

۲۶. مجلسی، محمد باقر. ۱۹۶۵؛ « بحار الانوار». بیروت: مؤسسه الوفاء. اول

۲۷. محّمدی ری شهری، محّمد. ۱۳۷۷؛ « میزان الحکمه». قم: دارالحدیث. اول

۲۸. مشکور، محمد جواد. ۱۳۸۷؛ «فرهنگ معارف اسلامی» .مشهد: بنیان پژوهش‌های اسلامی.ششم

۲۹. معین، محمد. ۱۳۸۵؛ «فرهنگ فارسی معین» .تهران : انتشارات راه رشد

۳۰. مکارم شیرازی، ناصر. ۱۳۸۶؛ «تفسیر نمونه». ج ۲۰. تهران: دارالکتب الاسلامیه. بیست و هشتم

۳۱. مکارم شیرازی، ناصر. ۱۳۸۸؛ « اخلاق در قرآن» .ج۳. قم: امام علی بن ابی طالب(ع). چهارم

۳۲. مهیار، رضا. ۱۳۷۶؛ «فرهنگ ابجدی فارسی- عربی». تهران: اسلامی. دوم

۳۳. هاشم رفسنجانی، اکبر. ۱۳۸۶؛ «فرهنگ قرآن» . قم: مؤسسه بوستان کتاب. اول

۳۴. یعقوب بن اسحاق، ابی جعفر محمد. ۱۳۸۸؛ « فروع کافی» . ج ۵. قم: انتشارات قدس. اول